

آندری شوچنکو در کیف در منطقه یاگوتین در ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۶ متولد شد. آندری فوتبال را از مدرسه آغاز کرد و هنگامی که تنها نه سال سن داشت مامور استعداد یابی دینامو کیف-الکساندر شاپکوف- در یک تورنمنت مدرسه ای استعداد او را دید و وی را به تیم نوجوانان دینامو کیف برد.

والدینش در ابتدا چندان علاقه ای به فوتبال بازی کردن او نداشتند و پدر او نیکلای دوست داشت که پسرش همانند او پس از اتمام مدرسه به ارتش بپیوندد، همچنین برای خود او سخت بود که هر روز برای تمرین از یک سر شهر به سر دیگر آن برود؛ ولی با کمکهای شاپکوف او ادامه داد و فوتبال تمام زندگی او شد.

حادثه انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل به معنی تعطیل شدن موقت تمرین بود. او در بهار ۱۹۸۶ به مدت دو ماه همانند بسیاری دیگر به مدرسه ای دور از محل خطر رفت و پس از بازگشت باز هم به بازی ادامه داد.

شوا با پستهای دفاعی تر شروع کرد و در ۱۹۹۰ تیم جوانان دینامو جام یان راش در ولز را ازان خود کرد. در آن تورنمنت او آقای گل شد و یک جفت کفش از مهاجمی معروف هدیه گرفت. درین دوران طی بازدیدی از سن سیرو آرزوی بازی برای میلان در او شکل گرفت ولی قبل از آن افتخارات بسیاری را با دینامو باید کسب می کرد.

در ۱۹۹۱ تیم آندری آخرین برنده جام نوجوانان **USSR** شد. (پس از آن شوروی از هم پاشید.)

در ۱۹۹۲ شوچنکو به تیم دوم دینامو رسید که در آن هنگام مربی آن ولادیمیر اونیشنکو بود. در آن فصل او با ۱۲ گل بهترین گلزن تیمش لقب گرفت. در ۸ نوامبر ۱۹۹۴، آندری اولین بازی خود برای تیم اصلی دینامو را در مقابل شاختار دونتسک

انجام داد و ۳۶ دقیقه در زمین حاضر بود همچنین در ۱۱ اکتبر همان سال اولین بار برای تیم ملی زیر ۲۱ سال در بازی با اسلونی به میدان رفت.

نخستین گلی که او در لیگ به ثمر رساند در ۱ دسامبر ۹۴ بود در حالی که ۶ روز بعد از آن تنها گل تیمش و اولین گل خودش را در جام قهرمانان در مقابل بایرن مونیخ به ثمر رساند با این وجود در آن بازی ۴ به ۱ باختند.

در فصل ۹۵-۹۶ او بازیکن ثابت دینامو شد ولی در آن سال با تحریم یوفا تیم نتوانست در لیگ قهرمانان به میدان برود و در سال بعد هم در آغاز بازیهای دور مقدماتی شوا دچار مصدومیت مینیسک شد و دینامو حذف شد.

به خاطر این مشکلات والری لوبانفسکی -مربی افسانه ای دینامو که این تیم را در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۶ به موفقیت بین المللی رسانده بود- به تیم بازگشت و توانست موفقیت را با خود به تیم برگرداند به طوری که دینامو کیف توانست بارسلونا را دو بار در لیگ قهرمانان شکست دهد. در بازی مقابل بارسلونا شوا توانست با هت تریک خود اولین بازیکن اکرایی شود که موفق به این کار شده است و با درخشش خیره کننده او دینامو توانست در روز تولد مهاجم کم نظیر اکرایی (اولگ بلوخین مربی تیم ملی اکران در جام جهانی ۲۰۰۶) بارسلونا را ۴ بر ۱ در هم بکوبد.

شوای جوان مورد توجه تیمهای برتر اروپا قرار گرفت و قیمت او در فصل ۹۹-۱۹۹۸ به ۲۰ میلیون دلار هم رسید چون او توانست با گلزنیهای خود دینامو را به صدر جدول گروه خود در لیگ قهرمانان برساند.

در یک چهارم نهایی شوا ۳ گل در دو بازی مقابل رئال مادرید به ثمر رساند و دو بار هم دروازه بایرن مونیخ را در نیمه نهایی فرو ریخت ولی متاسفانه با کمی بخت و اقبال تیم

آلمانی به فینال رسید.

با این حال شوا در روز طلایی باشگاه میلان یعنی ۱ جولای ۱۹۹۹ به این تیم ایتالیایی پیوست تا ادعا کند که مارکو فن باستن جدیدی برای این باشگاه است ولی نمی دانست که از او هم فراتر خواهد رفت. میلان با پرداخت ۲۵ میلیون دلار رکورد بیشترین انتقال باشگاه را شکست و شوا را به سن سیرو آورد تا یکی از بهترین خرید های تاریخ خود را نیز انجام داده باشد!

شوا در اولین بازی خود برای میلان در مقابل لچه گل زد و در همان فصل اول حضور خود در سری آ با ۲۴ گل در ۳۲ مسابقه آقای گل شد تا آلبرتو زاکرونی از این انتقال بسیار خرسند باشد. هر چند نباید فراموش کرد که پیشنهاد آمدن شوا به میلان از طرف فابیو کاپلو مطرح شده بود و خود او بعدها وقتی سرمربی رم بود در مصاحبه ای گفت که یکی از حسرت های دوران مربی گری اش این است که نتوانسته مربی شوا باشد!

در این سالها (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) او در انتخاب بهترین بازیکن سال از طرف مجله فرانس فوتبال (همان توپ طلایی و معتبرترین جایزه برای یک بازیکن) در رده سوم قرار گرفت.

این توانایی ها باعث شد که تیم های دیگر اروپایی به فکر جذب او بیافتند و در سال ۲۰۰۱ در روزنامه «توتو اسپرت» شایع شد که رئال مادرید پیشنهادی ۹۰ میلیون دلاری مطرح کرده است که در زمان خود رکورد نقل و انتقالات را می شکست. این شایعات با گل شوا در نوامبر ۲۰۰۲ در مقابل رئال مادرید در لیگ قهرمانان از بین رفت. او همچنین در مقابل اینتر در نیمه نهایی همان جام گلزنی کرد تا میلان به فینال برسد. در فینال هم پس از ۱۲۰ دقیقه تلاش کار به ضربات پنالتی کشید که شوا توانست با گل کردن آخرین پنالتی میلان در مقابل گرانتترین (و شاید بهترین) دروازه بان جهان

یعنی جان لوئیجی بوفون میلان را به ششمین قهرمانی خود در باارزشتترین جام باشگاهی جهان برساند و یووه را بار دیگر ناکام کند. شوا جام را به کیف زادگاه خود برد و آن را به جمعیت منتظر در مقبره لوبانفسکی برد تا سپاسگزاری خود را به مربی سابقش نشان دهد.

میلان در آن سال با دو گل دیگر او در مقابل پورتو به سوپر جام اروپا هم رسید. و در فصل ۰۴-۲۰۰۳ با درخشش او که به آقای گلی مجدد او نیز انجامید توانست سری آ را دیگر بار فتح کند. شوا با سه گلی که در مقابل رم به ثمر رساند قهرمان سال پیش را کاملاً ناامید کرد! ولی او دست از سر رمی ها برنداشت و در سوپر کاپ هم سه بار دیگر توپ را از خط دروازه لاتزیو عبور داد تا تبدیل به کابوس پایتخت نشین ها شود!

۲۰۰۴ هم سال موفقیت‌های او بود چون در این سال سومین فوتبالیست تاریخ اوکراین پس از اولگ بلوخین و ایگور بلانوف شد که توپ طلای اروپا را دریافت کرده است تا بالاخره به حق خود برسد! او این عنوان را نیز به مردم کشورش تقدیم کرد.

این سال در زندگی شخصی او هم بسیار اهمیت یافت. او در ۱۴ جولای با مدل آمریکایی کریستن پازیک ازدواج کرد. جردن در همان سال دنیا آمد تا او پدر شود. جالب اینکه سیلویو برلوسکونی بعدها پدر خوانده فرزند او شد.

آرزوی ملی آندری در ۳ سپتامبر ۲۰۰۵ با درخشش خود او به حقیقت پیوست. اوکراین توانست با پشت سر گذاشتن ترکیه، یونان (قهرمان اروپا)، دانمارک، آلبانی، گرجستان و قزاقستان تحت رهبری اولگ بلوخین تیم اول گروه خود شود و به جام جهانی آلمان صعود کند تا برای اولین بار شانس خود را در این رقابتها بیازماید. شوا بهترین گلزن در این گروه بود.

شوا در فصل ۰۶-۲۰۰۵ با ۱۹ گل خود در ۲۸ بازی به میلان کمک کرد تا پس از یوونتوس در جایگاه دوم لیگ قرار گیرد. همچنین در این فصل او در غیبت مالدینی بازوبند کاپیتانی را بر بازو می بست. در این فصل او توانست شماره ۱۰ افسانه ای میلان یعنی جانی ریورا را به رده سوم برترین گلزنان تاریخ میلان بفرستد و تنها گونا ناردال را پیش روی خود ببیند!! او در برد ۵ بر صفر برابر ترویسو ۱۶۴ و ۱۶۵ امین گل خود را برای میلان به ثمر رساند تا به این مهم برسد.

در لیگ قهرمانان آن سال او با ۹ گل در ۱۲ بازی بهترین گلزن شد و فقط چهار گل را در یک بازی به فنرباغچه زد! او دیگر به هت تریک هم اکفا نمی کرد!! میلان در نیمه نهایی مغلوب بارسلونا شد. با وجود گل کاملاً صحیح شوا در نوکمپ، مارکوس مرک ۱۰ امین گل شوا را نپذیرفت تا این اتفاق بیافتد. با این حال شوا به رائل بهترین گلزن تاریخ لیگ قهرمانان رسید. او ۵۲ گل در این جام به ثمر رسانده بود!

در ۳۱ می ۲۰۰۶ او با قراردادی چهار ساله به ارزش ۳۰ میلیون پوند (پنجمین ترانسفر بزرگ تاریخ) به چلسی انگلیس پیوست. درین باره خود او گفت: "من برای مبارزه و هیجان لیگ برتر اینجا هستم. من از باشگاهی بزرگ به دیگری می پیوندم؛ به تیم قهرمانان! و من فکر می کنم در موقع مناسب به اینجا آمده ام".

جام جهانی ۲۰۰۶ از نقاط مهم دوران حرفه ای اوست. با وجود او بود که اوکراین توانست پس از فروپاشی شوروی برای اول بار به این جام برسد و صدر نشین گروه خود در مرحله مقدماتی باشد. آنها در گروه H با اسپانیا، عربستان سعودی و تونس در یک گروه قرار گرفتند. ولی شوا ابتدا باید از بند مصدومیت لیگامنت خود رها می شد. او قبل از جام جهانی آماده شد و اولین کاپیتان اوکراین در جام جهانی لقب گرفت. متأسفانه این تجربه خوشایند نبود و حضور شوا باعث جلوگیری از شکست ۰-۴ در

مقابل اسپانیا نشد. ولی آنها در گرمای هامبورگ همان نتیجه را با گلهای آندری روسول، سرگئی ربروف، شوچنکو و کالینیچنکو به عربستان تحمیل کردند. پاس گل چهارم هم با کار زیبای شوا پس از رد کردن سه بازیکن به کالینیچنکو رسید تا پاس گل او را جبران کرده باشد. در بازی مقابل تونس شماره ۵ تونس پس از دریافت کارت زرد دوم درست قبل از پایان نیمه اول اخراج شد تا اوکراین در نیمه دوم امیوارتر باشد. در دقیقه هفتاد روی شوا پنالتی شد که خود او آن را به گل تبدیل کرد و باعث برد تیم خود و صعود آن به مرحله حذفی شد.

در مرحله حذفی اوکراین به سوئیس برخورد. در این بازی پرفشار آندری با ضربه سری شیرجه ای توپ را به تیر زد همین طور سوئیسی ها ضربه آزادی را به دیرک دروازه کوبیدند تا بازی به پنالتی بکشد و در اتفاقی عجیب اوکراین ۰-۳ برد! زیرا سوئیس موفق نشد حتی یک پنالتی را به گل تبدیل کند!

در یک چهارم نهایی ایتالیا رقیب اوکراین شد. ایتالیا قدرت خود را با گل زامبروتا و دو گل تونی ثابت کرد. با این وجود نتیجه بازی می توانست متفاوت باشد چون اوکراینی ها در موقعی که بازی یک - صفر بود دو ضربه زدند که از روی خط برگشت داده شد. بعد از بازی شوا گفت: "برای ما تساوی در مقابل ایتالیا هم بسیار سخت بود چه برسد به برد! ما با یک ایتالیای عالی روبرو شدیم که شایسته برد بود. آنها از موقعیتهایی که ستاره هایشان فراهم کردند سود بردند. ما خوب بازی کردیم و بسیار حمله کردیم و هر چه در توانمان بود انجام دادیم. ما شجاعانه بازی کردیم. برای برد شما نیاز به شانس هم دارید که ما امشب نداشتیم".

فصل ۰۷-۲۰۰۶ برای او شروعی خوب در تیم جدیدش نبود. ناآشنا بودن با لیگ برتر، عدم حمایت هم تیمی های جدید، فشار انتقادات روزنامه های حاشیه پرداز انگلیس و... از دلایل افت شوا بود. ولی او به راحتی تسلیم نشد و با وجود تهمتها و انتقادات بسیار

توانست روحیه خود را بازیابد و به شرایط سابقش نزدیکتر شود و با چند گل پیایی که به ثمر رساند مورینیو را مجاب کرد تا او را به ترکیب اصلی تیم بازگرداند. آخرین گل او در مقابل پورتو پرتغال بود که باعث شد چلسی در زمین حریف مساوی کند و با امید بسیار به انتظار بازی برگشت باشد